خراسان رضوی

صفحه آخر

یک شنبه
۱۹ اسفند ۱۳۹۷
۳ رجب ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۰۸۷

حکمت روز

پیامبر اکرم (ص)

هر کس را که بهره‌ای از مدارا داده‌اند، بدون شک بهره‌اش را از خیر دنیا و آخرت داده‌اند.
نهج الفصاحه ص۷۳۸، ح۲۸۳۸

مناجات

علامه حسن زاده آملی

الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند.
الهی، تاکنون از این و آن به سویت راه می افتادم و اینک از تو به این و آن آشنا می شوم.
الهی، در شگفتم از آن که در غربت از یاد وطن شکفته می شود و در دنیا از یاد آخرت گرفته.
الهی، چون است که در خود می نگرم به تو نزدیک می شوم و در تو می نگرم از تو دور.
الهی، تو خود بزرگی و بر همه دست داری. مرا بزرگ آفریدی و بر همه دست دادی. باری، از بزرگ آن چنان بزرگِ این چنین پدید آید.

با شاعران

خراسان به روایت خراسان

۱۹ اسفند ۱۳۵۳

سر مردی بابت خرید عید شکست

۴۴ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: اختلاف بر سر خرید عید زن و مرد جوانی را به جان هم انداخت. ابراهیم جوان کارمندی است که چند سالی است همسر اختیار کرده است. همسر او امسال در آستانه عید از او تقاضای پارچه نو برای لباس کرد اما ابراهیم به بهانه‌های مختلف از زیر بار این قضیه شانه خالی می کرد. بالاخره زن برای اطمینان، لباس‌های شوهرش را گشت و وقتی در آن مبلغ قابل توجهی پول پیدا کرد، از بهانه جویی‌های او عصبانی شد و پول‌ها را مقابلش پرتاب کرد. این کار به دعوا و کتک کاری و شکستن سر ابراهیم انجامید و او را روانه بیمارستان کرد.

اسفراین در مضیقه دندان پزشک

در نود و چهارمین جلسه انجمن شهرستان اسفراین، اعضای حاضر خواستار اعزام دندان پزشک به این شهرستان شدند چون از این حیث اهالی به شدت در مضیقه هستند و هر هفته به انجمن مراجعه و تقاضای دندان پزشک می کنند، لذا آن‌ها بر این مهم تاکید کردند.

پایان زندگی به واسطه ناامیدی

مرد ۵۶ ساله‌ای به نام عبدا... که به علت نارا حتی‌های خانوادگی از زندگی سیر شده بود، با خوردن مقداری تریاک خود را مسموم کرد و به زندگی خود پایان داد. وی پیش از این هم سابقه خودکشی داشت و اقدام به مسموم کردن خود کرده بود.

نمای تاریخی

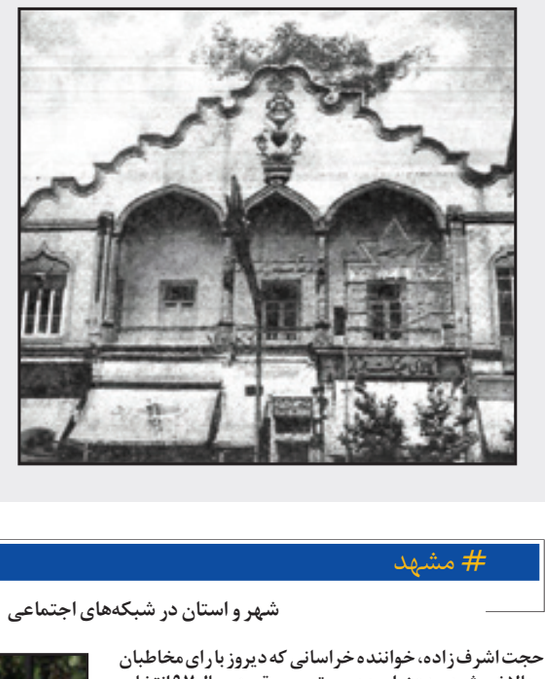

یکی از آخرین تصاویر بنای معروف به چهار طبقه مشهد که در اسفند ۱۳۵۱ به چاپ رسید و نویسنده در شرح آن نوشت: تصویری که می‌بینید، چهار طبقه معروف مشهد است که زمان درازی سمبل شهر بود و دیرزمانی کانون اشرافیت این شهر به شمار می رفت. شیوه معماری آن روسی است و هر چه بود و هر چه هست، لحظات آخر عمر خود را طی می کند. امروز و فردا اگر شهردار همت کند، قیافه این پیر سالخورده از منظر و دیدگاه مردم برداشته خواهد شد و پهنه خیابان جدید الاحداث دروازه طلایی با یک دنیا نیاز و تمنا و آرزو چهره خواهد نمود.
عکس از اسلامی

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

حجت اشرف زاده، خواننده خراسانی که دیروز با رای مخاطبان «حال خوب شید» به عنوان چهره برتر موسیقی در سال ۹۷ انتخاب شد، در حاشیه این برنامه تلویزیونی گفت: بعضی‌ها گفته‌اند حجت اشرف زاده همه جا هست! من عاشق خواندن برای مردم هستم. اگر زیاد به برنامه‌های تلویزیون می‌آیم برای همین است. وی با بیان این که، عاشق صدای همایون شجریان هستم، افزود: بیشتر سعی کرده‌ام از عاشقانه‌ها بخوانم.
او جایی هم از احوال جامعه سخن گفت و بیان کرد: من دوست ندارم مردممان دغدغه گوشت داشته باشند آن هم با این قیمت‌های نجومی. کشوری با این حد از منابع، حداقل باید بتواند نیازهای ابتدایی مردم را برآورده کند اما تنها کاری که از دست من برای «حال خوب» مردم برمی‌آید خواندن است.

روزنامه خراسان رضوی: رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

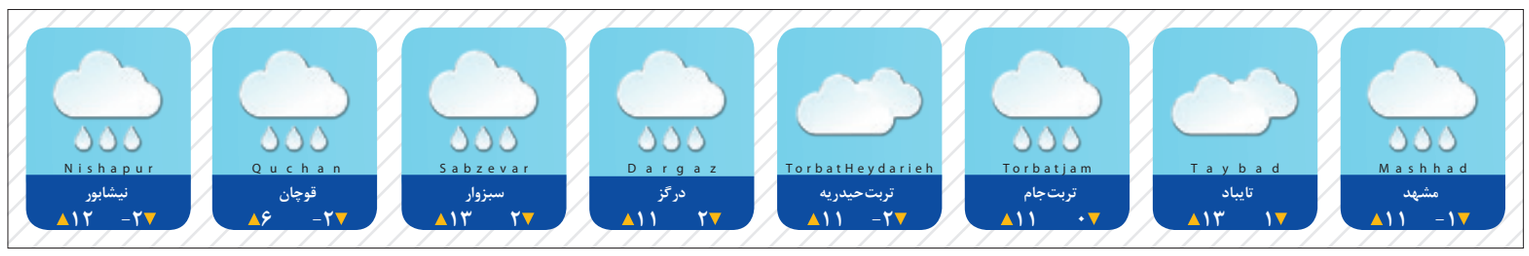

آدم ها، قصه ها

مریم اخوان

با «محمد علی بهمنی»، شاعر و ترانه‌سرایی که ابیاتش برای نسل های مختلف، خاطرات خوب ساختند

سفره شعر در خانه ما همیشه پهن بود

محمدعلی بهمنی نامی مطرح و شناخته شده در عرصه شعر و ترانه است. او با میراثی که از نیما یوشیج به ارث برد، پا به عرصه شاعری گذاشت و نخستین شعرش را که از طبع خلاق و پرشورش برخاسته بود، در نوجوانی سرود. در دهه ۳۰ بود که با شاعران و ادیبان هم عصرش آشنا شد و فریدون مشیری در زمره نخستین کسانی بود که استعداد او را دریافت و در مجله «روشنفکر»، نخستین شعر بهمنی را زمانی که فقط ۹ سال داشت، منتشر کرد. بهمنی طی این سال ها، کارنامه پرباری را در زمینه غزل سرایی برجای گذاشته و همواره تعلق خاطر او به قالب غزل بر همگان روشن بوده است، همان طور که خود نیز می گوید: «من زنده‌ام هنوز و غزل فکر می کنم.» بهمنی شاعر عشق و ترانه است و بسیاری از ترانه‌ها و اشعار خاطره‌انگیزی که از حنجره خوانندگان بسیاری به آواز شنیده‌ایم، سروده اوست. او یکی از شیفتگان بهار و نوروز نیز هست و از عیدهای کودکی اش خاطرات و گفتنی های زیادی دارد. عصر دیروز، مشهد میزبان برنامه رونمایی از کتابی در بزرگداشت او بود. اثری با عنوان «روزگار من و شعر» نوشته احمد امیر خلیلی. به همین بهانه، فرصت را برای یک گفت‌وگو مغتنم دیدیم:

فریدون مشیری، اولین کسی بود که گفت؛ استعداد شاعری دارم

آغاز صحبتمان با او از روزگار دور و درازی است که در عرصه شاعرانگی طی کرده است؛ از هم‌نشینی و شاگردی فریدون مشیری تا مجالس شعر ادبای بزرگ ایران. بهمنی در تعریف حال و هوای آن ایام، چنین می گوید: آن روزگار مثل حالا نبود که هر شاعری خودش را باور دارد و فقط می خواهد خود را به دیگران تحمیل کند و تنها شعار بدهد تا همه او را بشناسند. خوشبختانه زندگی در آن دوران شکل دیگری داشت و آدم هایش هم طور دیگری بودند. مثلا احترام فریدون مشیری برای من و هم‌نسلانم باقی مانده و تا هستم از من فاصله نخواهد گرفت، چون با او زندگی کرده‌ام. حالا من هر چقدر از ارزش آن مصاحبت ها بگویم، جوان امروزی شاید نتواند درک کند.

او ادامه می دهد: در ۹ سالگی اولین شعرم را سرودم اما ماجرای انس من با شعر به همین جا ختم نمی شود. برادرهای من، آن سال ها در چاپخانه کار می کردند و من هم سه ماه تعطیلی تابستان را در همان جا مشغول کار می شدم. از قضا نشریه‌ای در آن مجموعه چاپ می شد که فریدون مشیری مسئول صفحه ادبی اش بود. این آغاز آشنایی من با آن چهره ادبی بزرگ بود و در آن سن و سال هیجان بسیاری داشتم که زودتر از هر کس دیگری آن نشریه و شعرها و نوشته‌های مشیری را می خواندم. البته در خانواده ما شعر و ادبیات همواره جایگاه دیرینه و خاص خود را داشت و مادرم از طفولیت برای ما حافظ، سعدی و مولانا می خواند. در چنین فضایی، احساس من با شعر مأنوس شد.

بهمنی می افزاید: به هر حال، تایید و تحسین آقای مشیری انگار راهی را برای ادامه دادن به روی من گشود و تمام سختی ها را برای من نادیدنی کرد، طوری که دوست داشتم تمام این راه را بدوم! تا امروز هم همین بوده و من بر اساس آن چه از او و شاعران آن روزگار یاد گرفته‌ام، هرگز نخواسته‌ام کسی را نادیده بگیرم یا خودم را نسبت به دیگران برتر بدانم.

او از مشیری، گفتنی های دیگری نیز دارد: مشیری از دید من همیشه یک الگو بوده که تا امروز برای من پابرجاست، چون او اولین کسی بود که به من گفت می توانم شعر بگویم و استعداد شاعرانگی دارم. سال ۴۲ هم دست مرا گرفت و به رادیو برد و برای ترانه‌سرایی به مدیران بخش فرهنگ رادیو معرفی کرد. آن زمان من ۲۱ سال داشتم. مشیری هم خودش در شورای رادیو کار می کرد. خاطرم هست که خیلی اضطراب داشتم چون نظیر آن فضا را تجربه نکرده بودم اما او گفت که می توانی و باید کار کنی. همین صداقت و حمایت او برایم بسیار ارزشمند بود. مشیری در آن موقع جایگاه فراتری نسبت به خیلی ها داشت. در آن روزگاری که آدم ها دوستان نزدیک خودشان را تخریب می کردند، به من می گفت: خاطر جمع باش که می توانی. البته هنوز هم نمی‌دانم که توانسته‌ام یا نه و اغراقی هم در این باره نمی کنم ولی وقتی دیدم نسلی که با من زندگی می کند شعر و حرف من را می‌پسندد؛ تشویقی شد برای ادامه دادن این راه طولانی.

استعدادهایی که انکار شدند

این شاعر پیش کسوت، یکی از دوستداران غزل است که به اذعان خود، همزمان روح بدیع نیما را نیز در غزل حفظ کرده است. در باب عالم شاعرانگی خود و آن هایی که تحسینشان می کرده، چنین می گوید: طی قرن ها همیشه هنرمندان و شاعرانی بوده اند که متاسفانه در ابتدا انکار می شدند و جامعه و ذائقه مخاطب برایشان پذیرشی نداشت. علتش هم نه فقط به دلیل فشار حکومت ها، بلکه بیشتر به واسطه حسادت‌های بین افراد بود. مثلا، موقعی که فروغ فرخزاد شعر «چون سنگ‌ها صدای مرا گوش می کنی / سنگی و ناشنیده فراموش می کنی» را سرود با این که غزل سرا هم نبود و ادعایش را هم نداشت، اما استعدادش را به خوبی نشان داد و جلوتر از تمام کسانی که مدعی بودند، خودش و شعرش را زنده نگاه داشت یا مثلا نیما که چقدر در زمان حیاتش مورد تحقیر و آزار قرار گرفت آن هم از سمت شاعران! ولی عملا می بینیم که نیما قلب تاریخ ماندگار شد و بسیاری از هم دوره‌ای هایش محو شدند. شاید بتوان شرایط را مقصر دانست اما وقت خودمان را گرفته‌ایم اگر چنین ساده تحلیل کنیم. باید باور کنیم که گاهی خودمان، خودمان را نادیده می گیریم و وقتی بغل دستی ما کار موثری کرد به دلیل منافع شخصی و حسادت، خودش و استعدادش را انکار می کنیم.

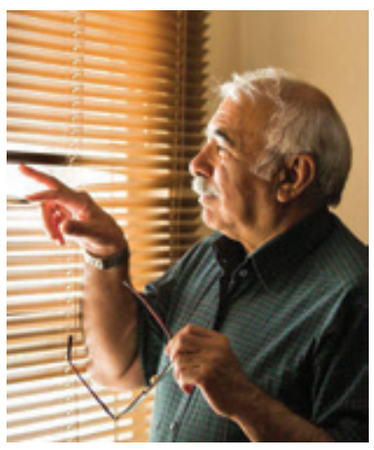

عاشقانه سرایی های امروز از هیجانات درونی نشئت می گیرند

از او احوال شعر امروز را جویا می شویم. شعر و شاعرانگی که امروز عمدتا در انعکاس فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، مجال دیده شدن پیدا می کند. مکثی می کند و می گوید: معتقدم برای نقد هر شرایط، باید ضمن ذکر کاستی ها، درباره ظرفیت ها نیز آگاهی داشته باشیم. نباید فکر کنیم که شعر امروز ما به واسطه بعضی دلایل یا شماری آثار و تولیدات، به عقب بازگشته یا نتوانسته است خودش را در آینه خویشتن پیدا کند. به واقع، فرزندان شعر خوبی در این کشور داریم که به کیفیت کارهایشان اهمیت می دهند و مثلا حاضر نیستند شعر یا ترانه خودشان را در کنار اشعار و ترانه‌های ضعیف دیگر منتشر کنند. ما شاعران و ترانه‌سرایان با ارزشی داریم اما متاسفانه آن چه هم اکنون سلیقه فرزندان روزگار ما را تسکین می دهد، از نظر ترانه (به گفته خودشان) عاشقانه‌سرایی است، در حالی که هیچ نسبتی با عشق و مضامین عاشقانه هم ندارد و بیشتر ناشی از هیجانات درونی است.

وی تاکید می کند: البته باید باور داشته باشیم که شعر ما همچنان به رونق خودش ادامه می دهد و بسیاری از کتاب‌هایی که از خوبان شعر می خوانیم، بعد از انقلاب چاپ و منتشر شده‌اند که می توان کارهای با ارزشی هم در میان آن ها یافت. البته وقتی ناشری در کنار یک شاعر خوب و کاربلد، کار چند شاعر را چاپ می کند که حتی الفبای شعر را هم نمی دانند، این به انگیزه‌ها ضربه می زند. ما این مسائل را باید منصفانه تحلیل کنیم و بدانیم که هنر هیچ وقت در روزگار خودش شناخته نمی شود، بلکه در نسل های بعد قدر و ارج آن مشخص خواهد شد.

اگر راکد شدیم، به این دلیل است که خودمان را باور نداریم

او جای دیگری از صحبت هایش از باوری می گوید که باید در نسل جوان تر، جوانه بزند: من حالا ۷۶ سال دارم و دوران قبل از انقلاب را هم تجربه کرده‌ام. به مدد آن چه که بر ما گذشته، می دانم که فقدان چه چیزهایی اکنون بیش از گذشته احساس می شود؟ ما اگر در بعضی دوران ها راکد شده درمانده‌ایم، به این دلیل بوده که خودمان را باور نداشته‌ایم. بهمنی تاکید می کند نام های زیادی بودند که به رغم شهرت حتی در زمان خودشان به فراموشی سپرده شدند اما شماری از شاعران و ادبای نامدار ایران زمین، در خاطره نسل ها ماندگار شدند چون می خواستند باقی بمانند، به رغم همه فشارها و انکارها و بالاخره نیز موفق شدند.

زندگی کاشکی به ما اَمون می داد

نقبی می زنیم به ترانه های خاطره انگیزش، مثلا استاد حسین خواجه امیری (ایرج) سروده (زندگی کاشکی به ما امون می داد) و انبوه موارد دیگری که زمزمه زیر لب نسل های مختلف بوده است. در جواب به چاشنی لبخندی می گوید: بله، آن ترانه را خودم هم خیلی دوست دارم و حتی استاد خواجه امیری هم در مصاحبه‌ای گفتند که از بین تمام آواز هایشان، آن ترانه را بیش از بقیه دوست دارند.

وی می افزاید: مضمون آن ترانه، فهم زندگی و گذر زمان است و این که باید لحظات را دریابیم تا به حسرت و غبن دچار نشویم. من بیش از ۱۲۰ ترانه برای خوانندگان مختلف سروده‌ام و البته اگر بخواهم با بعد از انقلاب مقایسه کنم، به مرور تعدادشان کمتر شده است. شاید بعد از انقلاب حدود ۲۰-۳۰ ترانه سروده باشم.

می خواهیم بدانیم از بین ترانه هایی که سروده، آیا مورد دیگری هست که بیشتر آن را دوست داشته و برایش خاطره شده باشد. مکثی می کند و جواب می دهد: کارهای آدم مثل فرزندانش هستند و نمی شود از بین آن هایکی را انتخاب کرد. خواننده‌هایی که دوست داشتم کارهای من را بخوانند، کسانی بودند که آگاهی از بازتاب کلام داشتند. آن ها می دانستند که چطور باید ترانه را بخوانند و لحن مناسب را برای هر واژه انتخاب کنند. به همین دلیل خواننده باید قبلش به درون کلمه برود و آن را از آن خود کند.

بهمنی ادامه می دهد: یکی از کسانی که در این باره موفق بود استاد خواجه امیری بود و واقعا می دیدم زمانی که می خواند، من لحن خواندن شعرم را از آواز او یاد می گرفتم. من نمی‌توانم بین خواننده‌ها انتخاب کنم ولی صدای او برای من معلم خوبی بود. البته خوانندگان خوب موسیقی پاپ هم اجراهای زیبایی از ترانه‌های من داشتند که بعضی هایشان را بسیار دوست دارم.

شادی‌ها و سرزندگی هایمان را با نوروز و بهار در میان می گذاشتیم

تا رسیدن به پایان سال، تنها چند برگ دیگر از تقویم باید ورق بخورد. محمدعلی بهمنی در زمره آن شاعرانی است که نوروز و بهار برایش با خاطرات شیرینی پیوند خورده اند؛ خودش در این باره چنین می گوید: در گذشته‌ای که من نوروز را زندگی می کردم، انگار شور و حرارتی که در تمام سال در زندگی و آدم ها پنهان بوده، ناگهان در آستانه بهار و نوروز افشا می شد.

وی ادامه می دهد: نوروز همیشه جایگاه ویژه خودش را در شعر و در تمام هنرها داشت، درواقع پیوند نوروز و شعر ناگسستنی بود؛ چون نفس نو شدن و تازگی یعنی هنر، یعنی روزگار و سیر زیستن در نوروز به وجود می آید و این که چه آثار شگفتی را چه در گذشته و چه اکنون بر زندگی ما داشته و دارد. این شاعر نامدار خاطر نشان می کند: در خانواده‌های ایرانی و در فرهنگ کهن ما، همواره نسبتی نزدیک بین شعر و شعرخوانی با ایامی مانند نوروز و شب یلدا وجود داشته است. متداول است که ایرانی ها سال جدید را با خواندن سوره‌ای از قرآن و شعرهایی از حافظ و سعدی و شاعران کلاسیک آغاز می کنند. همان طور که اشاره کردم در خانه و خانواده ما هم رسم شعرخوانی در نوروز رواج داشته است و همیشه سفره شعر در خانه ما پهن بود و من و برادرهایم به تشویق مادرم که عاشق قافیه ها و ردیف ها و اوزان بود، کتاب شعر می گشودیم و ابیاتش را می خواندیم. ما در آن دوران، شادی ها و سرزندگی هایمان را با نوروز و بهار در میان می گذاشتیم.

یادداشت

محمدرضا دارابی محبوب

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی مشهد

تحقق عدالت درمانی و بهداشتی؛ از برنامه تا عمل

در روزهای پایانی سال ۹۷ قرار داریم و به رسم معمول، خاتمه هر سال مجالی است برای مرور عملکرد گذشته و نگاهی به اقدامات و ضرورت های آتی.

خراسان رضوی و شهر مشهد، به تناسب ظرفیت هایی که دارد، به الزامات و زیرساخت های مشخصی در حوزه بهداشت و درمان نیازمند است که تامین آن ها به صورت مستمر پیگیری می شود و به طور طبیعی روند بعضی از اقدامات نیز در سال آینده تداوم می یابد.

اما اجازه بدهید در این مجال به اولویت هایی اشاره کنیم که در سال جدید مدنظر بخش بهداشت و درمان استان است. در حوزه تسهیلات بهداشتی، پرونده الکترونیکی هم استانی هایمان تقریبا تکمیل و در حدود ۴۰ درصد نیز بارگذاری شده است. بر این اساس انتظار می رود که در سال جدید ۱۰۰ درصد این پرونده‌ها در سیستم مربوط بارگذاری شوند و مردم بتوانند در آینده نزدیک به پرونده‌های الکترونیکی شان دسترسی یابند.

اما در نگاه کلان تر، یکی از اهداف بلندمدت وزارت بهداشت به منظور برقراری عدالت بهداشتی و درمانی اجرای سیستم سلامت الکترونیک است که سطح «یک» آن- که سطح روستا به شهرستان است- در دست اجراست و حدود ۴۰ درصد استان خراسان رضوی را تحت پوشش خود قرار می دهد.

همچنین در سال ۹۸ این سیستم الکترونیکی از سطح «یک» به «دو» و سپس «سه» ارتقا می یابد تا اهداف ما در این حوزه تکمیل شود. بر این باوریم که با گسترش و عملیاتی شدن این پروژه، هم در هزینه‌های درمانی صرفه جویی می شود و هم بستر تحقق عدالت در برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی برای مردم مهیا خواهد شد. مردم از طریق سیستم الکترونیکی بسیار راحت تر و سریع تر از گذشته می توانند به خدمات بهداشتی مدنظرشان دسترسی پیدا کنند.

علاوه بر این بیماران و خانواده های آنان بیهوده در گیر رویه های وقت گیر و فرساینده درمانی نخواهند شد. به عنوان مثال اگر در سطح یک، بیماری در روستا به پزشک عمومی مراجعه کند و پزشک تشخیص دهد که او باید به شهرستان انتقال داده شود و از خدمات بیمارستان در شهرستان استفاده کند، این فرد از طریق این سیستم، به مرکز بیمارستانی مدنظر معرفی می شود و اگر در شهرستان هم تشخیص داده شود که باید به مرکز استان انتقال داده شود، سطح دو فعال می شود و این گونه فرد بیمار دیگر به صورت مستقیم از روستا برای دریافت خدمات عازم مشهد و در مراکز بیمارستانی و درمانی سرگردان نمی شود.

همچنین از این طریق، سیستم خدمات رسانی ما قالب ارجاعی خواهد داشت و ما در سال ۹۸ نظام ارجاع الکترونیک را به طور کامل اجرایی و عملیاتی خواهیم کرد.

اما همان طور که اذعان دارید شهر مشهد دارای شاخصه هایی است که نیازها و ضرورت های درمانی و بهداشتی آن را متمایز می سازد. برای نمونه، بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار حاشیه‌نشین، بخشی از جمعیت این شهر را تشکیل می دهند.

ایجاد مراکز بهداشتی و خدماتی در حاشیه شهر یکی از اقدامات برجسته ای بود که به منظور رفع نیازهای درمانی این گروه از شهروندان طی سال های گذشته انجام گرفت.

البته هنوز هم اقدامات ما در این حوزه به پایان نرسیده و کامل نشده است و امیدواریم که در سال ۹۸ و همین طور در سال های بعد از آن بتوانیم به حاشیه شهر بیشتر از این بپردازیم و خدمات بیشتری به آن ها عرضه کنیم. اعتقاد داریم که بخشی از آسیب پذیرترین قشرهای جامعه در حاشیه شهر زندگی می کنند و از امکانات خدماتی کمی برخوردارند. به استناد همین موضوع تلاش ما توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در حاشیه شهر مشهد است.

همچنین بیش از ۵۰۰ هزار تبعه خارجی در استان ما ساکن هستند. شماری از آن ها با مشکل مدارک هویتی مواجه اند اما با وجود این وظیفه داریم برای آن ها خدمات کافی ارائه دهیم.

علاوه بر این، در چارچوب همکاری های مشترکی که میان استانداری، وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی مشهد شکل گرفت، ۲۴۰ پروژه پایگاه های بهداشتی را در داخل شهرها و روستاها به بهره برداری رساندیم، اما حدود ۳۷ پروژه باقی مانده است که این موارد در داخل شهر مشهد به دلیل نداشتن زمین مناسب تا امروز معوق مانده اند. مقرر است شهرداری و وزارت راه و شهرسازی ما را در این زمینه یاری کنند و این زمین را در اختیار دانشگاه قرار دهند تا بتوانیم ساخت این پروژه‌ها را آغاز کنیم.

اما در بحث ارتقای شاخص ها، آن چه که مد نظر ماست، بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی مردم است. در این میان جامعه نیز باید بیاموزد که در حوزه بهداشت، از اقدامات خودمراقبتی و خودکنترلی غافل نشود تا همزمان سیستم های بهداشتی و درمانی هم بتوانند به آن ها در این زمینه امکانات خوبی ارائه کنند.

درست است که ما به عنوان مسئولان حوزه سلامت وظایفی داریم و باید خدمات رسانی را گسترش دهیم، اما آن چیزی که ما را در این زمینه بسیار یاری می رساند؛ همکاری خود مردم است. آحاد جامعه ایرانی، محور اصلی بخش بهداشت و درمان کشور هستند و اگر مراقب وضع سلامت خودشان باشند و پیشگیری را فراموش نکنند، بخش بزرگی از معضلات حوزه درمان و بهداشت حل و فصل خواهد شد.

اما در جمع بندی این بحث بار دیگر باید یادآوری کنیم که دستیابی به عدالت درمانی و بهداشتی، آرمان بزرگ ماست تا از این طریق جامعه ای سالم و توانمند داشته باشیم.